

## گزارش دوره کنوانسیون سازمان ملل متحد در ارتباط با

### قانون دریاها، توسعه و محیط زیست

کانادا، هالیفاکس، ۸ ژوئن تا ۱۲ اگوست ۱۹۹۸

#### ● تهیه و تنظیم: سیدحسین رضوی

اجلاس زمین معروف شد) به طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفت. در اجلاس زمین، اهداف اساسی توسعه پایدار به این شرح برشمرده شده است:

- ۱- تجدید حیات رشد اقتصادی
  - ۲- تغییر کیفیت رشد اقتصادی
  - ۳- برآورده ساختن نیازهای ضروری نظیر شغل، غذا، انرژی، آب و اقدامات بهداشتی
  - ۴- اطمینان یافتن از سطح پایداری از جمعیت
  - ۵- محافظت از منابع طبیعی و ارتقا منابع
  - ۶- جهت‌گیری مجدد دانش فنی و اداره (مدیریت) خطرپذیر
  - ۷- محیط زیست و تصمیم‌گیری اقتصادی
  - ۸- جهت‌گیری مجدد روابط اقتصادی بین‌المللی
  - ۹- اقدام در جهت هر چه مشارکتی ساختن توسعه
- توسعه پایدار در ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفت و بر همین اساس نیز در دستور کار قرن ۲۱، چند زمینه اصلی مورد تأکید قرار گرفت که عبارت‌اند از:
- ۱- ابعاد اجتماعی و اقتصادی در توسعه پایدار
  - ۲- منابع برای توسعه پایدار
  - ۳- مشارکت مردمی برای توسعه پایدار

کنفرانس محیط زیست و توسعه با حضور سران کشورهای جهان در شهر ریودوژانیروی برزیل تشکیل شد و ضمن ارزیابی فعالیت کشورهای در دو دهه قبل از آن، یک دستور کار به عنوان راهنمای برنامه توسعه پایدار در قرن ۲۱ مطرح و ارائه شد.

توسعه پایدار به عنوان یک فرایند، لازمه بهبود و پیشرفت است. فرایندی که اساس بهبود وضعیت و از میان برنده کاستیهای اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته است و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع، بویژه کشورهای در حال رشد باشد. توسعه پایدار در صدد فراهم‌آوری راهبردها و سازوکارهایی است که بتواند به اهداف مهمی نظیر تلفیق حفاظت زیست محیطی و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی بشر، دستیابی به عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر و محرومیت عمومی، خودمختاری و تنوع فرهنگی و حفظ یگانگی زیست محیطی برسد.

بحث توسعه پایدار در کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه (که در سال ۱۹۹۲ در برزیل برگزار شد و به

#### چکیده

پس از توسعه صنعتی یعنی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، دراروپا به سبب به وجود آمدن ناهنجاریهای زیست محیطی، توجه به مسائل و مشکلات زیست محیطی مطرح شد. نخستین اجلاس بین‌المللی در زمینه محیط زیست در سال ۱۹۷۲ در استکهلم برگزار شد و در خلال آن "محیط زیست" در دستور کار بین‌الملل قرار گرفت. این پیشنهاد از سوی کشور سوئد مطرح شد، زیرا آنها نسبت به بارانهای اسیدی، آلودگی دریای بالتیک و فلزهای سنگین موجود در بدن ماهیان و پرندگان ابراز نگرانی می‌کردند.

همایش استکهلم پیش درآمدی بود بر سلسله‌ای از نشستهای بزرگ سازمان ملل که در سراسر دهه ۱۹۷۰ در زمینه جمعیت، غذا، مسکن، آب، بیابان‌زایی، علم و تکنولوژی و انرژیهای تجدیدشونده برگزار شده بود. بیانیه استکهلم روشهای منطقی استفاده از منابع، کاهش آلودگیها، آموزش و تحقیقات زیست محیطی و ساختارهای مدیریتی را به کشورها توصیه کرد.

در سال ۱۹۹۲ (مصادف با بیستمین سال نخستین اجلاس محیط زیست جهانی)

۴- روشهای اجرایی برای توسعه پایدار در همین ارتباط در سال ۱۹۹۸ میلادی، یک دوره آموزشی ده هفته‌ای در شهر هالیفاکس کانادا برگزار گردید. در این دوره آموزشی، مباحث متنوعی ارائه شد که شامل مقدمه‌ای بر قانون دریاها و تعامل آن با فرایند کنوانسیون سازمان ملل در حقوق دریاها، توسعه اقتصادی و ارزیابی هزینه-فایده، تغییرات آب و هوا، اقیانوس شناسی، مدیریت منابع زنده، مدیریت پروژه شامل ارزیابی آثار محیطی، مدیریت منابع غیرزنده، منابع معدنی غیرسوخنی، کشتیرانی، بنادر و لنگرگاهها، توریسم، شیلات و کارگاههای آموزشی بود.

## خلاصه‌ای از وضعیت جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی کانادا<sup>۱</sup>

کشور کانادا در شمالی‌ترین نقطه قاره آمریکا واقع شده است. این کشور از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از شرق به اقیانوس اطلس و از غرب به اقیانوس آرام و از جنوب با ایالات متحده آمریکا مرز مشترک دارد.

این کشور از تنوع آب و هوایی برخوردار است که از یخبندان سیبری، گرما و رطوبت حوزه کارائیب و هوای معتدل مدیترانه در آن ملاحظه می‌شود. بعد از فروپاشی شوروی سابق از لحاظ وسعت، کانادا اولین کشور جهان به شمار می‌رود و با مساحتی حدود ۱۰ میلیون کیلومتر مربع، جمعیتی بالغ بر ۲۹ میلیون نفر را در خود جای داده است و از یک تراکم نسبی پایین برخوردار است. همچنین کانادا کشوری است که طولانی‌ترین سواحل جهان را دارد.

نظام حکومتی این کشور، جمهوری و توسط دولت فدرال اداره می‌شود. قدرت اجرایی در کابینه و در رأس آن نخست وزیر قرار دارد.

از لحاظ اقتصادی، این کشور بزرگترین صادر کننده نفت و گاز به کشور آمریکا است. صنعت جهانگردی در درآمد این کشور، نقش مهم و اساسی دارد. به سبب وجود طبیعت

بکر و زیبای این کشور، هر ساله میلیونها نفر از سراسر جهان به این کشور سفر می‌کنند و از مناطق پرجاذبه آن دیدن می‌کنند. از مهمترین شهرهای دیدنی این کشور می‌توان به تورنتو، مونترال و ونکوور اشاره کرد. این کشور جزء کشورهای گروه هفت و OECD می‌باشد. واحد پول آن دلار و معادل ۷۵ سنت امریکاست. از لحاظ اجتماعی می‌توان گفت که برای یک کانادایی، احترام به قانون، اهمیت دادن به مسائل اخلاقی و اجتماعی، وقت‌شناسی و رعایت قوانین اجتماعی اهمیت فراوان دارد. در شش سال گذشته، کانادا از لحاظ استاندارد زندگی بهترین کشور بوده است.

## محل برگزاری دوره

محل برگزاری دوره، شهر هالیفاکس بود. این شهر در شرق کانادا و در کرانه اقیانوس اطلس واقع شده است. این شهر بسیار زیبای بندری با مناظر طبیعی دست نخورده، بزرگترین لنگرگاههای طبیعی جهان را دارد. هالیفاکس با بناهای تاریخی و رستورانهای زیبا و جمعیتی حدود ۳۵۰ هزار نفر، مرکز حکومتی ایالت نواسکاشیا است.

## سازمانهای برگزار کننده

### ۱- دانشگاه دال هوزی<sup>۲</sup>

یکی از قدیمی‌ترین دانشگاههای کانادا است که در سال ۱۸۱۸ میلادی تأسیس شده است و جزء بهترین دانشگاههای کانادا محسوب می‌شود. برنامه دوره دکتری، فوق لیسانس و لیسانس در ۱۷۶ رشته در این دانشگاه برگزار می‌شود و بالغ بر ۱۲ دانشکده در این دانشگاه دایر است که هر ساله بیش از ۳۶۰۰ کلاس درس تشکیل می‌گردد. حدود ۱۳۵۰۰ دانشجو از اقصی نقاط جهان به صورت تمام وقت و نیمه وقت در این دانشگاه مشغول تحصیل هستند. علاوه بر امکانات آموزشی و تحقیقاتی در این دانشگاه، دسترسی به کتابخانه و منابع و جدیدترین اطلاعات از ویژگیهای آن است. این دانشگاه از

مراکز تفریحی، هنری، ورزشی، درمانی و آزمایشگاههای مجهز و نمایشگاههای مختلف برخوردار است. همچنین به دلیل نزدیکی شهر هالیفاکس به اقیانوس، این دانشگاه به عنوان یکی از مراکز مهم مطالعات اقیانوسی جهان به شمار می‌رود.

## ۲- مؤسسه بین‌المللی اقیانوس<sup>۳</sup>

این مؤسسه به عنوان اصلی‌ترین سازمان برگزار کننده دوره محسوب می‌شود. برخی سازمانهای دیگر نیز با این مؤسسه همکاری داشته‌اند. این مؤسسه یک سازمان بین‌المللی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی می‌باشد که در کشور هلند به ثبت رسیده است و مقر آن، مالتا در جنوب ایتالیا است. این سازمان در چندین نقطه جهان نیز دارای شعبه است که بیشتر این مراکز با برخی از دانشگاههای معتبر محلی نیز در ارتباط می‌باشند. از جمله، این سازمان در کشورهای مالتا از طریق دانشگاه مالتا، هندوستان با انستیتو تکنولوژی هند، فیجی با دانشگاه پاسفیک، کاستاریکا با دانشگاه ناسیونال، چین با دانشگاه مدیریت اقیانوس، سنگال با مرکز تحقیقات اقیانوس شناسی، افریقای جنوبی با دانشگاه وسترن کیپ، رومانی با دانشگاه دریای سیاه و چندین مؤسسه و سازمانهای وابسته به این مرکز در سایر کشورهای جهان سوم فعالیت دارد و دارای شعبه می‌باشد.

اهداف مهم این سازمان، تشویق کشورهای جهان سوم برای آشنایی با قوانین دریایی، کمک به صلح و امنیت جهانی از طریق کاهش پتانسیل درگیری در استفاده رقابتی از اقیانوسها و منابع موجود در آنها، آگاهی و آشنایی با حقوق کشتیرانی در تنگه‌های بین‌المللی و مسئولیتهای ماهیگیری و چگونگی استفاده از معادن موجود در اعماق و بستر اقیانوسها و بهره‌برداری از منابع زنده و غیرزنده در کف اقیانوسها می‌باشد. مجموعه فعالیتهای این سازمان را می‌توان به چهار بخش عمده تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

الف) آموزش

ب) تحقیق

ج) برگزاری سمینار

د) ارائه کنفرانس

### ۳- سازمانهای دیگر

انجمن دانشگاهها و کالجهای کانادا<sup>۴</sup>، آژانس توسعه بین‌المللی کانادا<sup>۵</sup>، دپارتمان شیلات و اقیانوس<sup>۶</sup> و شرکت فیلم و عکس باوریا<sup>۷</sup> در برگزاری دوره همکاری نزدیک داشته‌اند.

در طی ۱۹ سال گذشته، بیش از ۱۰۰ دوره یک تا ده هفته‌ای برگزار شده است که مجموعاً بیش از ۲ هزار نفر شرکت‌کننده از بیش از ۱۰۰ کشور در حال توسعه در آن شرکت داشته‌اند. هر ساله در دوره‌های برگزار شده، مطالب نو و جدیدی ارائه می‌شود و به طور مرتب در زمینه کنوانسیون قانون دریاهای همکاری دانشگاه World Maritime University کشور سوئد در شهر هالیفاکس برگزار خواهد شد.

### ویژگیها و اهداف دوره آموزشی

در سال ۱۹۹۸، یک دوره آموزشی با ۲۳ نفر شرکت‌کننده از ۲۲ کشور جهان برگزار شد که اکثراً از کشورهای در حال توسعه بودند که شامل برزیل، آلمان، چین، کوبا، جیبوتی، تانزانیا، سیرالئون، فیجی، غنا، هندوستان، ایران، جامائیکا، کنیا، نیجریه، فیلیپین، سنت لوشیا، افریقای جنوبی، ترینیداد، ترکیه، اوکراین، ویتنام و تایلند بودند.

موضوعات مطرح شده در دوره در ۸ بخش به شرح ذیل ارائه گردیدند:

۱- مقدمه‌ای بر قانون دریاهای و تعامل آن با فرایند کنوانسیون سازمان ملل در خصوص دریاهای توسعه اقتصادی و ارزیابی هزینه - فایده و کنوانسیون تغییرات آب و هوا

۲- مقدمه‌ای بر اقیانوس شناسی، کنوانسیون تنوع زیستی

۳- مدیریت منابع زنده

۴- مدیریت یکپارچه منابع ساحلی و اقیانوسها

۵- مدیریت پروژه، ارزیابی آثار محیطی

۶- مدیریت منابع غیرزنده غیرسوختی، تخفیف بلایای طبیعی و آمادگی برای مقابله با آن

۷- بنادر و لنگرگاهها، توریسم

۸- سمینار نمایندگان سازمانهای بین‌المللی

مجموع موضوعات این دوره به مدت ۱۰ هفته طول کشید و در خلال این مدت، چندین سفر میدانی در ارتباط با موضوعات مختلف انجام شد.

از آنجا که بحث حقوق دریاهای، عنوان این دوره بود، لازم است برای آشنایی با حوزه و قلمرو دریا و همچنین تاریخچه و ابعاد حقوقی آن شرحی کوتاه داده شود.

### حقوق دریاهای، تاریخچه، قلمرو و ابعاد حقوقی آن

حقوق دریاهای یکی از حوزه‌های وسیع حقوق بین‌الملل است که نه تنها به لحاظ ارتباط و داد و ستد، بلکه به لحاظ منابع طبیعی و جانداران دریایی دارای اهمیت بسیار می‌باشد و در دو دهه اخیر دستخوش تحولات مهمی شده است.

منظور از حقوق دریاهای، مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر آنها، بستر دریاهای زیربستر دریا و فضای مافوق دریا می‌باشد. استخراج منابع از فلات قاره و نیز پیشرفت امکانات فنی برای استخراج منابع طبیعی از اعماق دریاهای ماهیگیری و حق عبور و تردد از مباحث مهم حقوق دریاهای به شمار می‌رود.

### ۱- تاریخچه، قلمرو و منابع حقوق دریاهای

در چارچوب سازمان ملل متحد، نخستین کنفرانس جهت تدوین حقوق دریاهای در سال ۱۹۵۸ تشکیل شد که به تصویب کنوانسیونهای چهارگانه ژنو رسید. قلمرو کنوانسیونها شامل دریای سرزمینی و منطقه مجاور، دریای آزاد، کنوانسیون ماهیگیری و

حفظ منابع جاندار دریای آزاد و کنوانسیون فلات قاره می‌شود.

این کنوانسیونها سعی در تدوین حقوق عرفی داشته‌اند. همه دولتها به این کنوانسیونها ملحق نشدند، بلکه نارضایتیها در مورد آن وجود داشت که به دنبال آن در سالهای ۱۹۶۰، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ نیز کنوانسیونهایی در این زمینه تصویب شد.

کنوانسیون سال ۱۹۸۲، یک کل یکپارچه است که در اثر سازش بین منافع مختلف و داد و ستد بدست آمده است. علاوه بر کنوانسیونهای فوق که جنبه عام دارند، تعدادی کنوانسیون چند جانبه در زمینه‌های خاص حقوق دریاهای نیز به تصویب رسید که به کنوانسیون جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتیها در سال ۱۹۷۳ و کنوانسیون ایمنی دریا در سال ۱۹۷۴ می‌توان اشاره کرد. از نظر حقوقی، سطح دریاهای به پنج منطقه مختلف تقسیم شده که هر یک دارای رژیم حقوقی خاصی می‌باشند. اگر از ساحل به طرف دریا پیش برویم، مناطق مزبور به ترتیب عبارت‌اند از:

- **آبهای ساحلی**، آبهای داخلی نه تنها شامل رودخانه‌ها و دریاچه‌هایی است که در داخل یک کشور محصور می‌باشد، بلکه شامل آبهایی است که از طرف داخلی خط مبدأ دریای سرزمینی قرار دارد که بنادر، اسکله‌ها، لنگرگاهها و سایر تسهیلات بندری را دربرمی‌گیرد.

- **دریای سرزمینی**<sup>۸</sup> حاکمیت یک دولت نه فقط شامل قلمرو خشکی و آبهای داخلی می‌شود، بلکه شامل یک کمر بند دریایی در ساحل مجاورش نیز می‌گردد. این کمر بند آبی یا دریای سرزمینی جزو قلمرو دولت بوده و لذا فضای مافوق آن و نیز بستر و زیربستر دریای سرزمینی، تحت حاکمیت دولت ساحلی قرار دارد.

- **منطقه نظارت مجاور**<sup>۹</sup> دولتها از گذشته مدعی اعمال صلاحیت بر قسمتی از

سوی کشور سوئد پیشنهاد گردید. سوئد به نسبت به بارانهای اسیدی، آلودگی دریای بالتیک و میزان سموم در بدن ماهیان و پرندگان ابراز نگرانی می‌کردند. به دنبال آن در اجلاس بین‌المللی محیط زیست، بیانیه محیط زیست انسانی را با تأکید بر وابستگی انسان به محیط زیست منتشر کرد. این بیانیه روشهای استفاده از منابع، کاهش آلودگیها، آموزش و تحقیقات زیست محیطی و ساختار مدیریتی را به کشورها توصیه کرد. در سال ۱۹۸۷، اولین کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه برگزار شد. این کمیسیون که از اسم رئیس نروژی آن به گزارش "بروتلند" معروف شد، برای اولین بار میان توسعه و محیط زیست پیوند برقرار می‌کرد و واژه توسعه پایدار<sup>۱۳</sup> دیده به جهان گشود. بر اساس این گزارش، دولتهای در حال توسعه باید به ارزیابی مسائل زیست محیطی بپردازند و داده‌های لازم برای این منظور را جمع‌آوری نمایند. همچنین شامل مجموعه‌ای از پیشنهادها و اصول قانون جهت دستیابی به توسعه پایدار برای کشورهای در حال توسعه است.

در این گزارش توسعه پایدار، به عنوان یک فرایند، لازمه بهبود و پیشرفت است. فرایندی که اساس بهبود وضعیت و از میان برنده کاستیهای اجتماعی- فرهنگی جوامع پیشرفته است و باید موتور محرک پیشرفت متعادل و مناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام جوامع، بویژه کشورهای در حال رشد، باشد.

به تعریف دیگر، توسعه پایدار در صدد فراهم آوری راهبردها و سازوکارهایی است که بتواند به اهداف مهمی نظیر تلفیق حفاظت زیست محیطی و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی بشر، دستیابی به عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر و محرومیت عمومی، خودمختاری و تنوع فرهنگی دست یابد.

به تعریف دیگر، توسعه پایدار در صدد فراهم آوری راهبردها و سازوکارهایی است که بتواند به اهداف مهمی نظیر تلفیق حفاظت زیست محیطی و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی بشر، دستیابی به عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر و محرومیت عمومی، خودمختاری و تنوع فرهنگی دست یابد.



### محیط زیست و توسعه پایدار

فراز و نشیبهای مباحث توسعه بین‌المللی به طور تنگاتنگی تابع فراز و نشیب حساسیتهای سیاسی در کشورهای شمال است. اشتیاق بی‌حد و حصر به رشد اقتصادی در سال ۱۹۴۵، بازتاب آرزوی غرب برای راه‌اندازی دوباره ماشین اقتصادی پس از جنگ دوم جهانی بود. جنگ خانگی جانسون علیه فقر در دهه ۱۹۶۰ و همچنین نگرانی در زمینه بی‌عدالتی در سراسر جهان، انگیزه کشف نیازهایی اساسی بود. معنای توسعه در کشورهای غنی به طرز تلقی آنها نسبت به توسعه بستگی دارد که محیط زیست هم از این قاعده جدا نمی‌باشد.

### اولین کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه (استکهلم)

همایش سازمان ملل در زمینه محیط زیست که در ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم برگزار شد و در خلال آن محیط زیست در دستور کار بین‌المللی قرار گرفت، برای نخستین بار از

دریای آزاد در مجاورت دریای سرزمینی خود در زمینه امور معینی بوده‌اند. این صلاحیت برای نظارت بر حسن اجرای قواعد گمرکی، مهاجرت، بهداشتی و مالی بوده است که گستره آن ۱۲ مایل است.

### - مسنطقه انحصاری اقتصادی<sup>۱۰</sup>

منطقه‌ای است از دریا در ماوراء و مجاورت دریای سرزمینی به عرض ۱۸۸ مایل که دولت ساحلی در آن دارای حقوق حاکمه اقتصادی است.

### - فلات قاره<sup>۱۱</sup> در بیشتر نقاط جهان،

بستر دریا با شیب ملایمی تا فاصله نسبتاً زیاد پیش می‌رود و سپس با شیب تندی به طرف اعماق سرازیر می‌شود. به این بخش ساحلی بستر دریا که پوشیده از آب کم عمق است در اصطلاح زمین شناسی فلات قاره می‌گویند. بر اساس اعلامیه ترومن، فلات قاره، آن قسمت از مناطق ساحلی بستر دریا تعریف شده که بیش از ۲۰۰ متر عمق ندارد.

### - دریای آزاد<sup>۱۲</sup> به معنی تمام بخشهای

دریاست که جزو دریای سرزمینی یا آبهای داخلی یک کشور بخصوص نمی‌باشد.

## دومین کنفرانس سازمان ملل در زمینه محیط زیست و توسعه (ریو)

دومین کنفرانس در سال ۱۹۹۲ در شهر ریودوژانیرو برگزار شد. در این کنفرانس، نزدیک به ۱۰ هزار نفر کارشناس و تصمیم‌گیرنده ۱۷۲ کشور اجتماع کردند. این کنفرانس که به کنفرانس زمین معروف شد، در باره اهداف عملیاتی توسعه پایدار بحث و گفتگو کرد. بر اساس نتایج این اجلاس، اهداف مهمی را که می‌توان از طریق مفهوم توسعه پایدار دنبال نمود عبارت‌اند از: تجدید حیات رشد اقتصادی، تغییر در کیفیت رشد اقتصادی، برآورده ساختن نیازهای ضروری نظیر غذا، شغل، انرژی، آب و اقدامات بهداشتی، اطمینان یافتن از یک سطح پایداری از جمعیت، محافظت از منابع طبیعی و ارتقا منابع، جهت‌گیری مجدد دانش فنی و مدیریت ریسک‌پذیر، محیط زیست و تصمیم‌گیری اقتصادی، جهت‌گیری مجدد روابط اقتصادی در سطح بین‌المللی و اقدام در جهت هر چه مشارکتی کردن توسعه.

به دلیل اهمیت اعلامیه ریو، اصول آن به طور کامل ارائه می‌شود که تمام کشورهای امضاکننده موظف به اجرای این اصول شدند. این اصول ۲۷ گانه به مباحثی از قبیل توسعه پایدار، ریشه‌کنی فقر، منابع طبیعی، صلح و محیط زیست پرداخته است.

### اصول اعلامیه ریو

**اصل ۱:** افراد بشر در مرکز توجهات توسعه پایدار قرار دارند. آنان دارای شایستگی داشتن زندگی سالم و مولدی هماهنگ با طبیعت می‌باشند.

**اصل ۲:** دولتها بر طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، دارای حق مالکیت برای بهره‌برداری از منابع خود در تعقیب سیاستهای زیست محیطی و توسعه خود می‌باشند. همچنین دارای مسئولیت تضمین این امر هستند که فعالیتهایی که در چارچوب صلاحیت حقوقی و یا کنترل آنها

انجام می‌شود به محیط زیست سایر کشورها و یا مناطقی صدمه‌ای نرساند که فراتر از حدود صلاحیت حقوقی ملی قرار دارند.

**اصل ۳:** حق توسعه باید اعمال شود به گونه‌ای که به طرزی منصفانه نیازهای زیست محیطی و توسعه نسلهای فعلی و کنونی را برآورده سازند.

**اصل ۴:** به منظور رسیدن به توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست باید به عنوان جزئی لاینفک از فرایند توسعه تداوم یابد و نمی‌تواند جدای از آن مورد بررسی قرار گیرد.

**اصل ۵:** کلیه دولتها و همه مردم در وظیفه اساسی ریشه‌کن کردن فقر به عنوان نیازمندی ضروری توسعه پایدار به منظور کاهش تفاوت در سطح زندگی و بهتر برآورده کردن نیازهای اکثریت مردم جهان باید با یکدیگر همکاری کنند.

**اصل ۶:** موقعیت ویژه و نیازهای کشورهای در حال توسعه که دارای محیط زیستی آسیب‌پذیر هستند، باید در اولویت خاصی قرار گیرد. اقدامات بین‌المللی در زمینه محیط زیست و توسعه همچنین باید به منافع و نیازهای کلیه کشورها بپردازد.

**اصل ۷:** دولتها باید با روحیه مشارکت جهانی برای حفظ، صیانت و احیای سلامت و تمامیت اکوسیستم زمین با یکدیگر همکاری کنند. دولتها از نظر سهم متفاوت خود در تخریب محیط زیست جهان دارای مسئولیت مشترک، اما متمایزی هستند. کشورهای توسعه یافته در تعقیب بین‌المللی توسعه پایدار به لحاظ فشارهایی که جوامع آنها به محیط زیست جهان وارد می‌کنند و به لحاظ تکنولوژی و منابع مالی خود، مسئولیتهای خود را می‌پذیرند.

**اصل ۸:** برای رسیدن به توسعه پایدار و کیفیت بالاتر زندگی برای کلیه مردم، دولتها باید الگوهای غیرپایدار تولید و مصرف را کاهش داده و حذف کنند و سیاستهای جمعیتی مناسب را رواج دهند.

**اصل ۹:** دولتها باید برای تقویت

توانمندسازی بومی جهت توسعه پایدار از طریق پیشبرد درک علمی از رهگذر مبادلات علمی و تکنولوژیکی و به وسیله ارتقای توسعه، سازگاری، اشاعه و انتقال تکنولوژیها، از جمله تکنولوژیهای نو و مبتکرانه با یکدیگر همکاری کنند.

**اصل ۱۰:** موضوعات زیست محیطی از طریق مشارکت کلیه شهروندان در سطوح مربوطه بهتر مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در سطح ملی، هر فرد باید دسترسی مناسب به اطلاعات مربوط به محیط زیست را داشته باشد که نزد مقامات دولتی نگهداری می‌شود. مهمترین این اطلاعات مربوط به مواد و فعالیتهای خطرناک در جوامع خود و فرصت مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری می‌باشد. دولتها باید با انتشار وسیع اطلاعات، آگاهی و مشارکت عمومی را تسهیل و تشویق کنند.

دسترسی مؤثر به اقدامات قضایی و اداری از جمله اصلاح و جبران باید وجود داشته باشد. **اصل ۱۱:** دولتها باید قوانین مؤثری را در زمینه محیط زیست به مورد اجرا بگذارند. استانداردهای زیست محیطی، اهداف و اولویتهای مدیریتی باید منعکس‌کننده زمینه زیست محیطی و توسعه‌ای باشند که آن اهداف و اولویتهای در آن زمینه به کار بسته می‌شوند. استانداردهای اعمال شده به وسیله برخی کشورها ممکن است نامناسب بوده و برای سایر کشورها، بویژه کشورهای در حال توسعه توجیهی به لحاظ هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی نداشته باشند.

**اصل ۱۲:** دولتها باید برای ارتقای یک نظام اقتصادی بین‌المللی باز و حمایتگر که منجر به رشد اقتصادی و توسعه پایدار در همه کشورها و رسیدگی بهتر به مسائل مربوط به زوال محیط زیست گردد، با یکدیگر همکاری کنند. تدابیر مربوط به سیاست بازرگانی برای مقاصد زیست محیطی نباید وسیله تبعیض دلبخواهانه یا غیر قابل توجیه یا محدودیت تجارت بین‌المللی به صورتی دیگر باشد. باید از اقدامات یک جانبه برای مقابله با چالشهای

زیست محیطی در خارج از صلاحیت کشور واردکننده اجتناب شود. تدابیر زیست محیطی که به مسائل زیست محیطی جهانی فرامرزی می‌پردازند، باید تا حد امکان مبتنی بر اتفاق نظر بین المللی باشد.

اصل ۱۳: دولتها باید در زمینه ایجاد تعهد و پرداخت غرامت به قربانیان آلودگی و دیگر خسارات زیست محیطی به تدوین قوانین ملی بپردازند. دولتها همچنین باید به شیوه‌های عاجل و مصممانه‌تر برای تدوین قوانین بین‌المللی بیشتری در زمینه ایجاد تعهد و پرداخت غرامت برای آثار سوء خسارت زیست محیطی ناشی از فعالیتهایی که در مناطق تحت کنترل آنها و نیز مناطق فراسوی صلاحیت حقوقی آنها انجام می‌گیرد، به همکاری با یکدیگر بپردازند.

اصل ۱۴: دولتها باید برای دلسرد کردن یا پیشگیری از نقل مکان یا انتقال فعالیتهای و موادی که باعث زوال شدید محیط زیست می‌شوند و یا برای سلامت انسان مضر تشخیص داده شده‌اند به طور مؤثر با یکدیگر همکاری کنند.

اصل ۱۵: به منظور حفاظت از محیط زیست، رهیافت احتیاطی گسترده‌ای باید به وسیله دولتها بر اساس تواناییهایشان به کار گرفته شود. در جایی که تهدیدات مربوط به خسارات جدید یا برگشت ناپذیر وجود دارد، فقدان عدم قطعیت علمی کامل نباید دستاویزی برای به تعویق انداختن تدابیر هزینه - کارایی جهت پیشگیری از زوال محیط زیست قرار گیرد.

اصل ۱۶: مقامات ملی باید برای پیشبرد درونی ساختن هزینه‌های زیست محیطی و استفاده از ابزارهای اقتصاد با در نظر گرفتن این رهیافت که آلوده کننده باید در اصل هزینه‌های آلودگی را تقبل کند و با توجه شایسته به منافع عمومی و بدون برهم زدن جریان تجارت. و سرمایه‌گذاری بین‌المللی کوشش به خرج دهند.

اصل ۱۷: ارزیابی تأثیرات زیست محیطی، به

اضطراری آگاه سازند که احتمالاً باعث تأثیرات زیانبار ناگهانی بر محیط زیست آن کشورها می‌شود. هر گونه کوششی برای کمک به دولتهای مصیبت دیده باید به وسیله جامعه بین‌المللی صورت گیرد.

اصل ۱۹: دولتها باید در مورد فعالیتهایی که ممکن است دارای تأثیر زیست محیطی فرامرزی بسیار وخیمی باشند، به کشورهایی که به طور بالقوه در معرض این تأثیرات قرار دارند به موقع خبر دهند و با این کشورها در مراحل اولیه کار و با حسن نیت به مشورت بپردازند.

اصل ۲۰: زنان دارای نقشی حیاتی در مدیریت و توسعه محیط زیست هستند. بنابراین مشارکت کامل آنان برای رسیدن به توسعه پایدار ضروری است.

اصل ۲۱: خلاقیت، آرمانها و شجاعت جوانان جهان باید بسیج شود تا مشارکت جهانی به منظور رسیدن به توسعه پایدار و تضمین آینده‌ای بهتر برای همگان به وجود آید.

اصل ۲۲: مردمان بومی و جوامع آنها و دیگر جوامع محلی، ایفاگر نقشی حیاتی در مدیریت و توسعه محیط زیست هستند. چرا که دارای دانش و آداب و رسوم سنتی می‌باشند. دولتها باید هویت، فرهنگ و منافع خود را مورد شناسایی قرار داده و به شیوه‌ای مناسب از آنها حمایت کنند و قادر به مشارکت مؤثر در رسیدن به توسعه پایدار گردند.

اصل ۲۳: محیط زیست و منابع طبیعی مردمان تحت سرکوب و اشغال باید مورد حفاظت قرار گیرد.

اصل ۲۴: جنگ ذاتاً مخرب توسعه پایدار است. بنابراین، دولتها باید به قوانین بین‌المللی احترام بگذارند و در مواقع منازعه مسلحانه از محیط زیست حفاظت به عمل آورند و برای توسعه بیشتر آن در صورت لزوم با یکدیگر همکاری کنند.

اصل ۲۵: صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست به یکدیگر وابسته و غیرقابل تقسیم

**توسعه پایدار در صدد فراهم آوری راهبردها و سازوکارهایی است که بتواند به اهداف مهمی نظیر تلفیق حفاظت زیست محیطی و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی بشر، دستیابی به عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر و محرومیت عمومی، خودمختاری و تنوع فرهنگی دست یابد.**

**اگر چه مناطق ساحلی فقط ۱۰ درصد سطح اقیانوسها را تشکیل می‌دهند، اما بیش از نیمی از تولید بیولوژیکی اقیانوسها و تقریباً تمامی صید ماهیهای جهان به آنان تعلق دارد.**

**حدود ۶۰ درصد جمعیت جهان و یا تقریباً سه میلیارد نفر در ساحل و یا تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری ساحل دریا زندگی می‌کنند و بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه، ۴۰ درصد و یا بیشتر پروتئین حیوانی خود را از ماهیان کسب می‌کنند.**

عنوان یک ابزار ملی باید برای آن دسته از فعالیتهای پیشنهادی انجام شود که احتمالاً آثار سوء قابل ملاحظه‌ای بر محیط زیست داشته و تابع تصمیمات یک مقام ملی ذیصلاح هستند. اصل ۱۸: دولتها باید بلافاصله سایر دولتها را از هر گونه فاجعه طبیعی یا دیگر وضعیتهای



می‌باشد.

**اصل ۲۶:** دولتها باید کلیه درگیریهای زیست محیطی خود را به روش مسالمت‌آمیزانه و از طریق وسایل مناسب بر طبق منشور سازمان ملل متحد حل و فصل کنند.

**اصل ۲۷:** دولتها و مردم باید از روی حسن نیت و با روحیه مشارکت در زمینه تحقق اصول مندرج در این اعلامیه و تدوین قوانین بین‌المللی بیشتر در زمینه توسعه پایدار با یکدیگر همکاری کنند.

با امضای این اصول، کارشناسان و تصمیم‌گیرندگان در خلال ۱۲ روز با ۳۵۰ موضوع متفاوت مواجه بودند که ۱۵۰ مورد آن را منابع مالی و مکانیزم اجرایی تشکیل می‌داد. برای بررسی مسائل مطروحه هشت گروه تحت عناوین زیر تشکیل گردید:

۱- گروه منابع مالی و مکانیزم آن به ریاست سفیر برزیل در سازمان ملل

۲- گروه تکنولوژی به ریاست وزیر صنایع هند

۳- گروه اتمسفر به ریاست سفیر سوئد در سازمان ملل

۴- گروه تکنولوژی بیولوژیکی و تنوع گونه‌های زیستی به ریاست سفیر شیلی در سازمان ملل

۵- گروه آب به ریاست سفیر نیجریه در سازمان ملل

۶- گروه ابزارهای حقوقی به ریاست سفیر مصر در سازمان ملل

۷- گروه نهادها به ریاست سفیر مالزی در سازمان ملل

۸- گروه جنگل به ریاست سفیر سنگاپور گزارش دستور کار ۲۱، مشتمل بر ۴۰ فصل بود. فصل اول شامل مقدمه و فصل سوم تا هشتم شامل ابعاد اجتماعی و اقتصادی در توسعه پایدار می‌باشد که از مباحثی همچون تسریع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، فقرزدایی، تغییر الگوی مصرف، تحولات جمعیتی، تأمین سلامت انسان، تأمین مسکن مناسب و تلفیق برنامه‌ریزی

محیط‌زیست و توسعه گفتگو می‌کند.

فصل نهم تا بیست و دوم در باره منابع لازم برای توسعه پایدار است که در این زمینه به مسائلی همچون حفاظت اتمسفر، استفاده مناسب از زمین، حفاظت جنگلها، کوبرزدایی، توسعه کوهستانها، حفاظت و مدیریت منابع آب، مدیریت مواد شیمیایی و سمی، زباله‌های خطرناک شامل زباله‌های جامد و فاضلابها و زباله‌های اتمی پرداخته شده است.

فصل بیست و سوم تا سی و دوم به بحث مشارکت مردمی برای توسعه پایدار مربوط می‌شود. در این فصول به ابعاد مشارکت همه اقشار در فرایند توسعه، توجه به زنان و جوانان و کودکان، مشارکت مردم بومی، سازمانهای غیردولتی، نقش مسئولان محلی، کارگران و کارکنان، تجارت و صنعت، علوم و فن‌آوری و کشاورزی توجه شده است.

فصل سی و سوم تا چهلم، روشهای اجرایی برای توسعه پایدار را بیان می‌کند. در این بخش به منابع مالی و نحوه تأمین آنها، انتقال تکنولوژی و علوم در خدمت توسعه، آموزش عمومی، ظرفیت سازی نهادهای بین‌المللی مورد نیاز، قوانین و مقررات و اطلاعات مورد نیاز پرداخته شده است.

به دلیل اهمیت منابع مالی و نحوه تأمین آنها در ذیل این اصول مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در اولین کنفرانس محیط زیست و توسعه مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شده بود که ۰/۷ درصد از تولید ناخالص ملی کشورهای پیشرفته برای حل مسائل محیط زیست کشورهای جهان سوم به مصرف برسد. ولی تا زمان برگزاری کنفرانس بیش از ۰/۳ درصد آن پرداخت نشده بود.

طرحهای مورد نظر و برنامه‌هایی که در دستور کار ۲۱ آورده شده، طبق برآورد دبیرخانه کنفرانس نیاز به سرمایه‌گذاری معادل ۶۰۰ میلیارد دلار در سال دارد که ۸۰ درصد آن باید به وسیله کشورهای جهان سوم و بقیه توسط مجامع بین‌المللی تأمین گردد. باید گفت که این امر موجب اشکالاتی در این زمینه شده

که عبارت‌اند از:

۱- برآوردها از دقت کافی برخوردار نبوده است. بنابراین نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

۲- اولویتها باید توسط خود کشورها تعیین شود که تصور نمی‌رود همه کشورها دارای برنامه باشند. به علاوه، مشکل عمده کشورهای فقیر در درجه اول تأمین غذاست که در حد بخور و نمیر باشد و برنامه‌های دیگر نمی‌تواند اولویت داشته باشد.

۳- به فرض آنکه همه عوامل فراهم باشد، تأمین ۸۰ درصد هزینه‌ها به هیچ وجه در توان این کشورها نیست. اگر این امکان وجود داشت، نیاز به فرمادهای کشورهای پیشرفته نبود.

۴- کمکهای مجامع بین‌المللی قطعاً مشروط به خرید ماشین‌آلات و تکنولوژی خاص و متخصصین ذیربط از آن مجامع است و نمی‌تواند اهرم مثبتی در جهت بکارگیری نیروها در کشورها بوده و کالاهای خدمات با استاندارد بالایی باشد.

۵- مسئله عمده جریمه کشورهای پیشرفته بابت سهمی می‌باشد که در آورده سازی محیط دارند. قسمت عمده آلودگیها مربوط به این گروه از کشورها و تمدنی است که آنها به جهان ارائه داده‌اند.

۶- اگر قرار باشد مصرف همپنجان در کشورهای پیشرفته با بی بند وباری همراه باشد و هر آنچه می‌خواهند به هر قیمتی در اختیار آنها قرار گیرد، مسلماً نتیجه‌ای برای کشورهای جهان سوم به دست نخواهد آمد. شرط اصلی باید آن باشد که تعدیل اساسی در مصرف کشورهای پیشرفته به عمل آمده و صرفه‌جوییهای مربوط در صندوقی برای کمک به کشورهای جهان سوم و به خصوص کشورهای فقیر جمع‌آوری و پرداخت گردد. در این صورت می‌توان امیدوار بود که نتیجه مطلوب به دست آید.

۷- نظر دیگری که می‌توان ارائه داد و شاید عنوان بدبینی به آن داده شود، آن است

که آبا کشورهای پیشرفته دست اندرکار دستور ۲۱ درصد نبوده‌اند که حجم و حدود بازار خود را برای چند سال آینده از این طریق تعیین نمایند و به عبارت دیگر، هدف بازاریابی برای خود نداشته‌اند؟

۸- از لحاظ سیاسی هم این نظریه وجود دارد که کشورهای پیشرفته علاوه بر ابزارهایی مانند حقوق بشر و نظم نوین جهانی در صد هستند این ابزار جدید (دستور کار ۲۱) را برای سرکوب کردن ملتها و کشورها در آینده به کار ببرند. ۱۴

### مشکلات عمده زیست محیطی

جو سیاسی جهان نسبت به زمان برگزاری اولین کنفرانس محیط زیست بر اثر عملکرد ناموفقش دگرگون شده و افق تیره و تاری در مقابل انسان قرار گرفته است.

ذخایر زمین تاراج شده، اقیانوسها که بیش از ۷۰ درصد سطح زمین را می‌پوشانند و حاوی برخی از متنوعترین و پیچیدهترین اکوسیستمهای زمین هستند بر اثر فعالیتهای انسان دچار مخاطره شده‌اند. گیاهان و جانوران کفزی آسیب دیده‌اند. کشتیها هم به آلودگی سواحل، بویژه به هنگام نشت تصادفی نفت و یا شستشوی عمدی مخازن خود ادامه می‌دهند. اگر چه مناطق ساحلی فقط ۱۰ درصد سطح اقیانوسها را تشکیل می‌دهند، اما بیش از نیمی از تولید بیولوژیکی اقیانوسها و تقریباً تمامی صید ماهیهای جهان به آنان تعلق دارد. افزون بر این، نواحی ساحلی شامل انواع اکوسیستمهایی هستند که برای زندگی دریایی

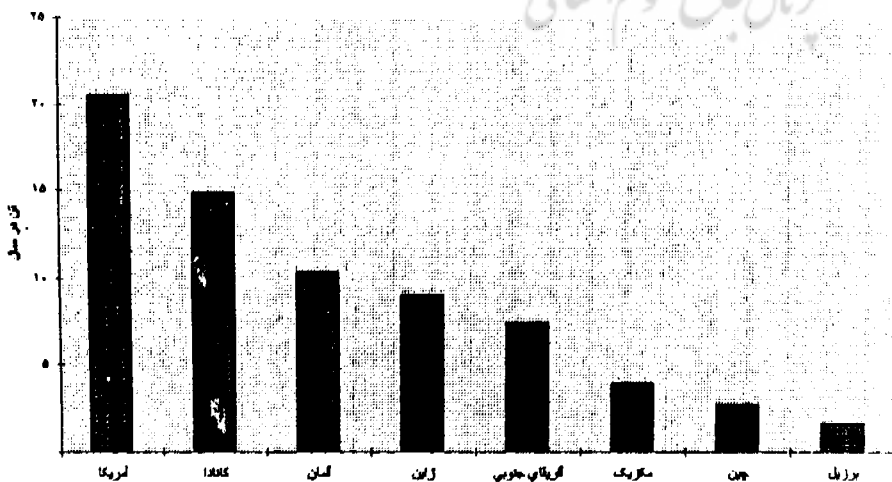
و انسان حیاتی‌اند. در واقع حدود ۶۰ درصد جمعیت جهان و یا تقریباً سه میلیارد نفر در ساحل و یا تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری ساحل دریا زندگی می‌کنند و بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه، ۴۰ درصد و یا بیشتر پروتئین حیوانی خود را از ماهیان کسب می‌کنند. در حالی که آثار فعالیت‌های انسان بر اقیانوسها نسبتاً خفیف است، اما مناطق ساحلی به دریافت گنداب خانگی و صنعتی و تخلیه آب رودها ادامه می‌دهند.

تولیدات کشاورزی در سطح سال ۱۹۸۶ باقی مانده است، در حالی که آسیا سهم سرانه تولید غذای خود را حدود ۱/۷ درصد افزایش داد و آمریکای لاتین این رقم را ۰/۷ درصد در سال در طول دهه گذشته افزود، افزایش کاهشی در سهم سرانه سالانه تولید غذای خود به میزان ۰/۶ درصد در طول همین مدت داشت. تولید مواد غذایی در جهان تا سال ۲۰۲۵، باید به ۶۰ درصد افزایش یابد تا بتوان سطح تغذیه فعلی را برای جمعیت پیش بینی شده ۸/۵ میلیارد نفری تأمین نمود. در این صورت یا باید سطح کشتزارها افزایش یابد و یا تولید در واحد سطح افزونی گیرد. متأسفانه، بیشتر زمینهای قابل گسترش برای کشاورزی یا آب ندارند و یا نقص فیزیکی یا شیمیایی از قبیل شیب تند، فرسایش پذیری، نقص زهکشی، قلیایی بودن خاک و یا شرایط آسیب پذیر برای گیاه دارند. افزون بر این، فرسایش شدید

جنگل منجر به از دست دادن زیستگاهها و انقراض گونه‌ها شده است. افزایش تولید در واحد سطح نیازمند استفاده بیشتر از کود، آفت‌کش و آبیاری است که خطرات آلودگی خاک و آب را به دنبال دارد. ۱۵

فرسایش جدی خاک در بیشتر نقاط پراهمیت جهان در حال رخ دادن است. این امر در کشورهای در حال توسعه، به طور جدی در حال خسارت زدن به تولیدات کشاورزی، کوتاه کردن عمر مفید سدها و پروژه‌های آبرسانی، انباشتن کانالها و بندرها از رسوبات و آسیب رسانی به تالابهای تولید کننده است. در بسیاری از مناطق، میزان هدررفتگی خاک ده برابر بیش از میزان تشکیل خاک است و برآورده شده که حدود ۲۵ میلیارد تن خاک همه ساله ناشی از کشت و کار در شیبهای تند، زمینهای حاشیه‌ای، پوشش جنگلی و گیاهی را کاهش داده و انتظار می‌رود که آبیاری غیراصولی این هدررفتگی را بویژه در شمال و مرکز آفریقا، نواحی مرطوب و مرتفع آمریکای لاتین و بیشتر نواحی آسیای جنوب شرقی شتاب دهد.

علاوه بر فرسایش شدید در ذخایر زمین، جنگلهای ناحیه‌ای و بین‌المللی مانند جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جنگ شوروی سابق علیه افغانستان، جنگ نفت در خلیج فارس، ناآرامیهای کشمیر، سریلانکا، یوگسلاوی و بعضی از جمهوریهای تازه



### آسیبهای زیست محیطی

و توزیع نابرابر انتشار سرانه

دی اکسید کربن در سال ۱۹۹۵



استقلال یافته شوروی سابق ضایعات غیرقابل جبرانی را به وجود آورده است.

تنوع بیولوژیکی زمین به اعتقاد برخی از کارشناسان در حال نوسان است و در حال حاضر، ۲۵ درصد تنوع بیولوژیکی کل زمین در معرض خطر انقراض در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده با به خطر انداختن گسترده بخش کشاورزی، پزشکی و صنعتی هستند. از دست رفتن تنوع بیولوژیکی به واسطه از دست رفتن زیستگاهها بر اثر آلودگی و بهره‌برداری بیش از حد از خاک، جنگلها، کرانه‌های ساحلی و کشتزارها و با وارد کردن گونه‌های غیربومی که در رقابت با گونه‌های بومی، موجب تغییر زیستگاه طبیعی گونه‌های بومی می‌شوند، اتفاق می‌افتد.

آلودگی محیط زیست بر اثر آلودگی هوا به نقش خود به عنوان یک مشکل عمده زیست محیطی در اغلب کشورها ادامه می‌دهد. حدود ۹۹۰ میلیون نفر در معرض اضافه بار ذرات معلق هستند. در برخی نواحی از بین رفتن لایه ازن موجب نگرانی شده است. وجود بارانهای اسیدی به صورت مسئله حاد زیست محیطی باقی می‌ماند. این مسئله ماهیگیری، آبهای شیرین، کشاورزی و حیات وحش را تهدید کرده و عامل مرگ در سطح وسیعی از جنگلهای اروپا بوده است. جنگل‌زدایی عامل عمده فرسایش خاک و از دست دادن تنوع بیولوژیکی است. سالانه حدود ۷۰ هزار کیلومتر مربع زمین زراعی بر اثر فرسایش از بین می‌رود.

با توجه به این روند، از سوی دیگر، میزان جمعیت جهان طی فاصله دو کسفرانس ۱/۷ میلیارد نفر افزایش یافته که ۱/۵ میلیارد نفر آن مربوط به کشورهای در حال توسعه است و این در حالی است که نزدیک به یک میلیارد نفر در فقر و گرسنگی شدید به سر می‌برند. افزایش جمعیت و وجود فقر در بین آنان فشار شدیدی بر اکوسیستمها و منابع طبیعی وارد می‌آورد.

## الگوی توسعه کانادا<sup>۱۶</sup>

چهار دهه قبل کانادا با اعلام مبارزه علیه نابرابریهای منطقه‌ای، فقر و مجموعه‌ای از مشکلات مربوط به سیاستگذاریهای بخش عمومی به دیگر کشورهای صنعتی غربی پیوست. دولتهای متوالی کانادا به این واقعیت پی بردند که توسعه منطقه‌ای در کانادا از اهمیت درجه اول برخوردار است و هر حزب سیاسی که قدرت را در دست داشته باشد، همواره در اولویت خواهد بود. کانادا از دهه ۱۹۶۰ شاهد انواع سیاستها، طرحها و سازمانهایی بوده است که برای بهبود بخشی به توسعه منطقه‌ای پیشنهاد شده‌اند.

در دهه ۶۰ مجلس قانون احیا توسعه کشاورزی<sup>۱۷</sup> را تصویب کرد. این قانون تلاشی برای بازسازی اقتصاد راکد روستایی و نشانه اولین توسعه منطقه‌ای اتاوا بود. این قانون کسار خود را با برانگیختن توسعه کشاورزی برای افزایش درآمد نواحی روستایی شروع کرد. هدف آن این بود که زمینهای حاشیه‌ای افزایش یابد و فرصتهای اشتغال در نواحی روستایی ایجاد شود و منابع آب و خاک توسعه یابد و پروژه‌هایی را برای نفع رساندن به مردمی که علاوه بر کشاورزی در فعالیتهای منابع طبیعی مانند صیادی شاغل هستند، راه‌اندازی شود. در سال ۱۹۶۹، این قانون تغییر نام یافت و اهدافش تعدیل شد. این طرح گسترش یافت تا بتواند طرحهای غیرکشاورزی را نیز شامل شود و نیروی کار مازاد بخش زراعت را به خود جلب کند. بنابراین، هدف اصلی آن کاهش فقر روستایی بود.

صندوق توسعه روستایی<sup>۱۸</sup> که در سال ۱۹۶۶ دایر شد و در ارتباط با طرح فوق‌الذکر بود، صرفاً در نقاطی قابل اجرا بود که درآمد پایین و با عدم تعادلهای عمده اقتصادی مواجه بود. سرانجام این طرح برای پنج منطقه دیگر هم اجرا شد که در این مناطق برای توسعه زیربناها و صنعت به کار گرفته شد.

طرح صندوق روستایی منطقه بر سه رکن

اصولی استوار بود. این سه رکن عبارت‌اند از:

۱- خدمات توسعه صنعتی

۲- فعالیتهای توسعه اشتغال

۳- زیربنای صنعتی

رکن اول برای ایجاد یک بنیان صنعتی از طریق تأمین تحقیقات پایه و تربیت تکنسین و کارشناس پیش بینی شده بود و شامل کمیسیون صنعتی منطقه‌ای بود که برای کمک به مردم منطقه و افزایش قابلیتهای صنعتی آنها راه‌اندازی شده بود.

رکن دوم، برای ایجاد شغل و کمک به پروژه‌هایی بود که از نظر ایجاد اشتغال بلندمدت در بخشهای منابع طبیعی و جهانگردی دارای قابلیت تشخیص داده می‌شوند. این کار بدون انواع کمک عمومی قابل اجرا نبود. ایجاد مشوقهای خاص به منظور ترغیب واحدهای جدید و نوآور و گسترش بیشتر مشاغل کوچک نیز در این مورد دارای اهمیت بود.

رکن سوم برای کمک به افراد مهاجری بود که به مراکز منتخبی مهاجرت می‌کردند که فرصتهای اشتغال بهتری را ارائه می‌دادند.

اقدامات دیگری برای ترویج منطقه‌ای در شکل قانون مشوقهای توسعه ناحیه‌ای<sup>۱۹</sup> و دو سازمان توسعه در وزارت صنایع انجام شد. هدف عمده این مشوقها، چرخش به طرف بخش خصوصی جهت برانگیختن رشد در مناطق برخوردار از اقتصاد بالاتر بودند. این کار قرار بود از طریق تقویت مشوقهای مالیاتی موجود و یا کمکهای عمده برای مناطق مشخص شده، انجام پذیرد.

مناطق با بیکاری بالا و رشد کند، هدف این اقدامات بود. تنها مناطقی که نرخهای بیکاری بالاتر از آستانه مشخصی داشتند، واجد شرایط قلمداد می‌شدند. سپس کارخانجات تولیدی و تبدیلی برای استقرار یا توسعه عملیات به این مناطق دعوت می‌شدند. سه نوع مشوق قابل ارائه بود که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱- تمهیدات سریع هزینه‌های سرمایه‌ای

۲- یک معافیت سه ساله مالیات بر درآمد  
۳- تسهیلات هزینه‌های سرمایه‌ای بیشتر.

دولت سرتاسر دهه ۶۰ در صدد توسعه منابع انسانی بود و علاوه بر طرح‌های ایجاد تسهیلات، برنامه‌های آموزش حرفه‌ای منابع انسانی را راه‌اندازی کرد و قانون کمک به آموزش فنی و حرفه‌ای<sup>۲۰</sup> در هر استان برای آموزش فنی جوانان یا بازآموزی بزرگسالان تدوین گردید.

به طور خلاصه در این دوره، دولت مستقیماً اقداماتی برای برانگیختن رشد در مناطق عقب افتاده و کم رشد تدارک دیده بود و توسط این سیاست، نابرابریهای ساختار منطقه‌ای قابل رفع و زمینه برای ابتکارات توسعه بعدی هموار شد.

### دهه هفتاد

در دهه ۷۰، دوران "ترودو"<sup>۲۱</sup> پس از انتخاب در سال ۱۹۶۸، بلافاصله اقدام به ایجاد وزارتخانه‌ای جدید با مسئولیت مشخص برای توسعه منطقه‌ای نمود. وزارت توسعه اقتصادی منطقه‌ای در این دوره ابتدا مراکز صنعتی با قابلیت جذب کارخانجات تولیدی و تبدیل تشخیص داده شدند. سپس یک موافقت نامه خاص با دولت محلی مربوطه امضا می‌شد. این توافق زمینه را برای احداث زیربنای لازم از قبیل راهها، آب و فاضلاب و مدارس فراهم می‌ساخت. بنابراین، چارچوبی ایجاد می‌شد که درون آن رشد اقتصادی تحقق یابد. پس از تأمین زیربنای مورد نیاز در محل طرح مشوقهای صنعتی منطقه‌ای، به وسیله کمکهای نقدی می‌توانست صنعت تولیدی جدید را به مراکز منتخب جلب نماید. کمکهای نقدی، هزینه راه‌اندازی تولیدی را پایین می‌آورد. به طور کلی، طرحهای اجرایی در این دوره مبتنی بر مفهوم "قطب رشد" (با الهام از کارهای فرانسوا پرو) بود. نظریه قطب رشد بر این باور بود که رشد اقتصادی حول نقاط قانونی معینی به وجود می‌آید و متمرکز می‌شود. یک بازنگری

در سیاستها منجر به ایجاد یک موافقتنامه عمومی عمرانی گردید. دامنه و تنوع فعالیتهایی که توسط این توافقنامه انجام می‌شد، تأمل برانگیز است و در واقع توانست تمامی بخشهای اقتصادی را تحت پوشش قرار دهد. مثلاً در یکی از استانها ابتکاراتی در زمینه جهانگردی، جنگلداری، تفریحات سالم، ماهیگیری، اتوبانها و پروژه‌های خاص به کار گرفته شد.

نقاط قوت تمام موافقتنامه‌ها انعطاف پذیری آنها بود و هیچ محدودیتی برای برنامه‌ها وجود نداشت. به محض اینکه فرصت مناسبی در یک محل به دست می‌آمد بسادگی توافقی میان وزارت توسعه و استان امضا می‌شد و پروژه آغاز می‌شد. در اواخر دهه ۷۰، شرایط اقتصادی به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به زمان تأسیس وزارت اقتصاد تغییر یافته بود. در حقیقت آن زمان برخی عوامل بودند که تأثیر قوی بر جهت‌گیریهای آتی سیاستهای منطقه‌ای داشتند. اصطلاح رکود تورمی که نشانگر شرایط مشکلی است که در آن همزمان فشار تورمی موجود است و هم رشد کند و یا حتی صفر می‌باشد، شرایط رکود بین‌المللی ایجاد شده بود. ساختار صنایع کانادا کمبودهای فراوان داشت و برخی بخشهای مهم صنعت دیگر قادر به رقابت در سطح بین‌المللی نبودند.

### دهه هشتم

فشارهای به وجود آمده در دهه قبل متجر گردید که دولت فدرال دوباره در مورد سیاستهای توسعه منطقه بازنگری کند. این بازنگری روشن ساخت که اولاً توازن میان مناطق در اقتصاد ملی در حال تغییر می‌باشد و ثانیاً حالا دیگر هم مشکلات و هم فرصتهای توسعه در تمام مناطق به طور یکسان وجود دارد. چنین تصور می‌شد که این فرصتها از منافع اقتصادی مورد انتظار از پروژه‌های عظیم مرتبط با بخش انرژی ناشی می‌شد.

### دهه نود

در اوایل سال ۱۹۸۲، نخست وزیر وقت، وزارت توسعه منطقه‌ای را منحل کرد و توافقاتی GDA به صورت مجموعه ساده‌تری از توافقات ملی - استانی جایگزین گردید.

### یافته‌های سفر

#### ۱- از دیدگاه توسعه انسانی

- کانادا از لحاظ وضعیت عمومی توسعه انسانی برای پنجمین سال متوالی در صدر فهرست ۱۷۴ کشوری جای دارد که در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۸ مورد بررسی واقع شده‌اند. افتخاری که هیچ کشور دیگری بدان دست نیافته است. بر طبق این گزارش، کاناداییها بر حسب وضعیت عمومی بهداشت، سطح آموزش و پرورش و میزان برخورداری افراد متوسط از معیار زندگی آبرومند جایگاه نخست را به خود اختصاص داده است.

- اگر چه کشورهای صنعتی مدرن بزرگترین مصرف‌کنندگان جهان هستند، ولی بهای سنگین آلودگی محیط زیست و انحطاط کیفیت خاک، جنگلها، رودخانه‌ها و اقیانوسها را که تأمین کننده معیشت کشورهای در حال توسعه است توسط فقرای این کشورها پرداخته می‌شود.

اکثریت قاطع کسانی که بر اثر آلودگی هوا و آب از بین می‌روند، مردم فقیر کشورهای در حال توسعه هستند و این مطلب در مورد کسانی که از بیابان زایی در رنج‌اند و نیز کسانی که بیشترین آسیب را از سیلابها، طوفانها و خرابی زراعت در نتیجه افزایش دمای جهان می‌بینند نیز صدق می‌کند. درسراسر جهان فقرا عمدتاً نزدیکتر از دیگران به کارخانه‌های آلوده‌کننده، جسادهای پرفرت و آمد و زیاده‌دانیها زندگی می‌کنند.

فقرا کمتر از همه گروههای اجتماعی دیگر از امکان حفاظت از خود در برابر آلودگی محیط زیست و انهدام منابع طبیعی برخوردارند. میلیونها انسان که از داشتن برق

در منازل خود محرومند برای پخت و پز و گرمایش ناگزیر به استفاده از هیزم و فضولات حیوانی می‌باشند که آنها را در معرض آلودگی‌های درون‌خانه‌ها قرار می‌دهد.

- در مقایسه کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، میزان مصرف و آلودگی محیط زیست و اتلاف منابع ۵۰ برابر بیشتر است و این در حالی است که سنگینی فشار ناشی از آسیب‌های زیست محیطی بر دوش کسانی است که کمتر مصرف می‌کنند و از شرایط نامناسبی برخوردارند.

- به رغم چهار برابر شدن میزان جهانی صید ماهی از دریاها، طی نیم قرن گذشته، فقرا کمترین سود را برده‌اند و سخت‌ترین پیامدهای ناشی از آن را تحمل کرده‌اند.

- مصرف بی‌رویه و رو به رشد، فشار بی‌سابقه‌ای بر محیط زیست وارد می‌کند و کسانی که کمترین مصرف را دارند در معرض خطر مضاعف قرار دارند.

- سهم ثروتمندان یک پنجم جمعیت جهان از کل مصرف سوخت‌های فسیلی به ۵۳ درصد بالغ می‌گردد و میزان سرانه انتشار دی‌اکسید کربن CO2 در ایالات متحده ۲۱ تن در سال است و این در حالی است که فقیرترین مردم یک پنجم جمعیت جهان مسئولیت تنها ۳ درصد کل آن را بر عهده دارند.

- ثروتمندترین یک پنجم مردم دنیا مالک ۸۷ درصد از مجموع خودروهای شخصی جهان هستند، در حالی که سهم فقیرترین یک پنجم از یک درصد نیز کمتر است.

- همچنین این گروه یعنی ثروتمندترین یک پنجم مردم دنیا، ۴۵ درصد کل گوشت و ماهی جهان را مصرف می‌کنند و این در حالی است که مصرف فقیرترین یک پنجم جمعیت دنیا از این دو قلم ماده غذایی از ۵ درصد نیز پایین‌تر است.

- از دیدگاه توسعه سیاسی - اجتماعی

به طور کلی همان‌طور که در آغاز اشاره شد، مردم کانادا مردمی فعال، پرکار، وقت‌شناس و

منضبط هستند. در فاصله ۱۰ هفته که دوره برگزار شد، حتی در یک جلسه آن هم کلاس با تأخیر شروع نشد.

از زمان ورود به فرودگاه، مسئولان برگزاری دوره، تمام امور مربوط به شرکت‌کنندگان را برنامه‌ریزی کرده بودند که شامل سرویس جهت مراجعه به خوابگاه، اطلاعات لازم نسبت به دوره، محل برگزاری آن، برنامه شروع و خاتمه کلاسها، اسامی سخنرانان، نحوه استفاده از E.mail، کارت استفاده از رستوران، نحوه استفاده از منابع کتابخانه، تهیه کپی، ارسال فاکس، امور رفاهی و ورزشی، فروشگاه و ... بود.

- کلاسها به صورت مشارکتی اجرا می‌شد و در پایان هر بخش، اعضای شرکت‌کننده موظف به ارائه خلاصه‌ای از مطالب ارائه شده همراه با نقد و ارائه یک مطالعه موردی بودند. حتی تهیه قهوه برای ساعات پدیرایی به عهده اعضای شرکت‌کننده بود.

- سفرهای میدانی مربوط به موضوعات مختلف در پایان هر دوره و در روزهای تعطیل هر هفته برگزار می‌شد. چنانچه کلاسی زودتر از موعد مقرر به پایان می‌رسید از وقت باقیمانده به نحو مطلوب استفاده می‌شد.

- سخنرانان و مسئولان برگزارکننده و مسئولان سازمانهای مختلف خیلی راحت با افراد ارتباط برقرار می‌کردند و نیاز به هیچ‌گونه تشریفات نبود. اکثر شرکت‌کنندگان احساس راحتی داشتند.

- مسئولان و سخنرانان همیشه قبل از زمان شروع جلسه حاضر می‌شدند و خلاصه مطالب خود را در بین شرکت‌کنندگان توزیع می‌کردند.

- در یک کلام همه چیز سر جای خود قرار داشت و نظم و پیوستگی در همه چیز خود را نشان می‌داد.

- در زمان پایان دوره، مسئولان مربوطه همه شرکت‌کنندگان را تا فرودگاه و تا انجام آخرین مراحل تحویل بار و حتی مقدمات تهیه

کارت ورود به هواپیما همراهی کردند.

## منابع و ماخذ

۱- ماهنامه صنعت حمل و نقل، شماره ۱۷۱، مرداد ماه ۱۳۷۷.

۲- مقتدر، هوشنگ، "حقوق بین‌المللی عمومی"، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۶.

۳- فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۷۶.

۴- مهاجرانی، مصطفی، "کنفرانس جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲"، محیط شناسی، مجموعه پژوهشهای محیط زیست، شماره ۱۶، تهران، ۱۳۷۰.

۵- مخدوم، مجید، "وضعیت محیط زیست جهان در سال ۱۹۹۱"، محیط شناسی، شماره ۱۶، انتشارات مؤسسه مطالعات محیط زیست دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

۶- هنسن، نایلر و بنجامین هیگینز و داندل جسی ساوی، "سیاستگذاری منطقه‌ای در جهانی در حال دگرگونی"، ترجمه گروه مترجمان، زیر نظر دکتر پرویز اجاللی، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۶.

7- International Ocean Institute summer training programme primary reference reader, Dalhousie University, 1998.

8- International Ocean Institute summer training programme Secondary reference reader, Dalhousie University, 1998.

9- International Ocean Institute summer training programme reading materials, Dalhousie University, 1998.

## پی‌نوشتها:

۱- ماهنامه صنعت حمل و نقل، شماره ۱۷۱، مرداد ۱۳۷۷، ص ۱۰۷-۱۰۸

2- Dalhousie

3- International Ocean Institute

4- Association of Universities and Colleges of Canada (AUCC)